



حسن عاطفی

مقدمه

در مجموعه کتب خطی نویسنده سطور، قرآنی با ترجمه فارسی وجود دارد که در این ترجمه ویژگی های نثر قرن چهارم و پنجم هجری به چشم می خورد، مانند بکار رفتن واژه های کهن پارسی و آمدن برخی از افعال مهجور و متروک که در ذیل به آن اشاره خواهد شد. نسخه موجود بدون تاریخ تحریر می باشد. ولی در صفحه پشت جلد آن با خطی تازه تر چنین آمده است:

همین کلام الله مجیدی است که روی عرابه زرین انداختند و در جلو آن تکبیرگویان بجهت هلاکوخان بدستور خواجه نصیرالدین طوسی رحمة الله علیه بردند و آن خان عالی شأن صد قدم باستقبال این کلام با نهایت ... و خشوع آمد. حرره عبد من العباد هده الله الی سبیل الصدق و الصداد.

گذشته از صدق و کذب این مطلب، نوع کاغذ و کتابت نسخه حکایت از آن دارد که باید قرن هفتم یا هشتم استنساخ شده باشد، از جمله ترجمه، با نستعلیقی ابتدائی نوشته شده است. رعایت دال و ذال (جاویدان - بدان - خدا...)، گذاشتن سه نقطه زیر (س)، نیاوردن هـ غیر ملفوظ: ساد(ساده) - میوها(میوه ها) - آنک (آنکه) - آنج (آنچه) و غیر از خصوصیات آن است. در پایان نسخه جدا از متن «فالنامه حضرت امام جعفر صادق(ع) در تفأل از کلام الله با خط نسخ آمده است که به ظاهر باید در دوره های بعد نوشته شده باشد.

۷۶۸۲

۱. آوردن «ب» زینت یا تأکید بر سر برخی از مصادر مانند: «این قرآن برسانیدنی است مـ مردمان را»

۲. آوردن «ب» پیش از برخی از صفات فاعلی یا مفعولی - مانند: بگرویدگان (بگرویده) - بدهندگان.

۳. گاهی آوردن «ب» پیش از جز پیشین «می»: بمی گردانید - بمی گروید

۴. آوردن «ب» پیش از م نهی: بمگردان

۵. آوردن «ب» با (ن) نفی مانند: بنمی گروند

۶. آوردن مـ (علامت مفعول بیواسطه) پیش از مفعول، مانند: مرکافران را بود عذابی دردناک

۷. آوردن ی شرط - ی تمنا و آرزو - ی استمرار، به دنبال صیغه افعال:

ی شرط: اگر ایشان بدانستندی نکردندی

ی تمنا و آرزو: گوید کافر کاشکی من بودمی خاکی «... يقول الكافر يا ليتني كنت ترابا»

(نبا، ۷۸/۴۰)

ترجمه تفسیر طبری: گویند کافر ای کاشک من می بودمی خاک .

ی استمرار: گفتندی

۸. آوردن افعال گاهی به صورت های کهنه مانند: نوشتمانیم = نوشتیم، کردمانیم = کردیم،

اگر خواستمانی مه فرا گرفتمانی = اگر خواستی فرا گرفتمی، برداشتمانیم = برداشتیم،

پرستیدمانیم = پرستیدیم، بیستمانیم = بیستیم، بداشتمانیم = بداشتیم. ۲

۹. آوردن «ن» گاهی به جای م نهی مانند: نریزید، بیرون نکنید.

۱۰. در بعضی موارد جمع های عربی برای بار دوم جمع شده است: شیاطینان

معادل عربی یا اصطلاح امروزی آن	لغات و ترکیبات و افعال کهنه متن
الف	
آفل	فرو روندگان (ترجمه تفسیر طبری: فرو شوندگان)
اتباع	پس روی
ابن السبیل	راه گذریان
اثم	بزه
اشترا	فرا گرفتن
اخذ	فرا گرفتن
اتخاذ	فرا گرفتن
اعوذ بالله	پناه می دهم به خدا
اهبط	پانشیب برو (هبوط = پانشیب)
اهبطوا	پانشیب بروید (هبوط = پانشیب رفتن)
انفس	تنها
امیون	نانویسندگان
اساور	دستور نجنها (سوار - سوار - اسوار = دستور نجن)
استبرق	دیباای سببر
افتاده	افتیده
اعتاب	انگورستان ها
أعلى	افرشته تر
افترا	برباقتن - (ترجمه تفسیر طبری: بافتن)
اغرینا	برآغالانیدیم ما (ترجمه تفسیری طبری: آوکندیم - پاورقی: برآغالیدیم)
اقرار کردن	اقرار دادن
ب	
بهیمة الانعام	

بسته زبان های چهارپایان (ترجمه تفسیر طبری: نخجیران از چهارپایان)

بغی
بخشیدن - دادن
بداشتیم
برداشتیم
بیستیم
بیت عتیق
بس
برق
بطرت
پ
پرهیز کردن
پرستیدیم
ت
تقویل
توجه
تمثال
تعالی
تفصیل

بی سامان کار
(ترجمه تفسیر طبری - آیه ۲۸ سوره مریم: وی سامان کار)
بخشودن
بداشتیمانیم
برداشتیمانیم
بیستیمانیم
خانه دیرینه
خرد و مرد شدن - (سوره واقعه آیه ۵: و بست الجبال
بسا) - ترجمه تفسیر طبری: فرو شکستن - (ص ۱۷۹۴)
آتش (رعد و برق = رعد و آتش)
دنه گرفتند - (ترجمه تفسیر طبری: بیازرده شدند) و کم اهلکنا من
قریه بطرت معیشتها، (قصص ۵۸/۲۸). ترجمه متن: و چند هلاک
کردیم ما از اهل دیهی که دنه گرفته بودند در زیستن آن - ترجمه
تفسیر طبری: و چند هلاک کردیم از دیهی که بیازرده شدند
بزندگان آن (ص ۱۲۷۰) نسخه های پاورقی تفسیر طبری: ... از
دیهی برمی گرفته بودندشان از زندگانی خویش - ... از دیهی
همباردگی کردند بوقت حیات آن - ندیدن: آن است که به تازی
بطر گویند و هر چیز که شاطر می دود آن دود آن را دنه خوانند و
گردنده و دنان (فتح نامه، چاپ ایرج افشار، ص ۳۲۶)

پرهیزیدن
پرستیدمانیم
بر یافتن
روی فرا کردن
تندیس
افراشته است (پاورقی ترجمه تفسیر طبری: برتر است)
هویدا کردن

ترجمه های فارسی قرآن

۳۴۴

۲۳۸۵

پیشگام سال سوره حمه

تکفیل
ث
ثواب
ج
الجان
جاعل
جعل
ح
حام
حواریون
حدائق
حنجره
حما مسنون
خ
خردل
خاشعین
خائفین
خفه شده
خناس
د
دشوار
داخل شدن
در افتاده
دکا
دابة الارض

پایدان گردانیدن
پاداشت
پدر پریان - در ترجمه تفسیر طبری هم چنین است.
کننده
کردن
گشنی - (گشن = نر - نرخواه - طالب نرینه)
گازران (ترجمه تفسیر طبری:
حواریون - نسخه های پاورقی: گازران - یاران)
خرما استان ها
چنبره گردن
لوش بوی بگردانیده (حما = گل سیاه و بدبو)
سپندان
ترسکاران
ترسکاران
خوه شده (خوه بدون ه غیر ملفوظ ضبط شده است)
باز پس جهنده
دشخوار
در رفتن
در افتیده
خرد و مرد (سوره اعراف، آیه ۱۴۳) پاورقی ترجمه
تفسیر طبری: ریزه ریزه
چوب خوره زمین (سوره سبا، آیه ۱۴) اشاره به موضوع
مردن سلیمان

ترجمه ای کهن از کلام خدا

۳۴۳

۲۳۸۲

شماره ۴۹ و ۵۰ پیشگام

دستور
دواب
ذ
ذراع
ذو
ذرو
ر
رحل
رواسی
راست تر
ز
زن گرفتن
زیر (بالا)
زعیم
س
سایح
سیاره
سخت ترین
سنگین (ضد سبک)
سندس
سراب
ش
شکور
شاخ
شنا کردن

دستوری
جنبندگان (دابه = جنبنده)
ارش
خداوند
بردامیدن - و الذاریات ذرواً (ذاریات، ۱/۵۱) بحق بادهایی
که خرمن بدان بردامند بردامیدنی (ترجمه تفسیر
طبری: بادهای سخت - پاورقی: دمنده) (ص ۱۷۵۱)
باردان (ترجمه تفسیر طبری: بار)
کوه های بیخ آور
راستر
زن کردن (در کاشان زن گرفتن و شوهر گرفتن را زن رفتن و
شوهر رفتن گویند).
زور (تفسیر طبری: بر)
پایندان (آیه ۷۲ سوره یوسف) ترجمه تفسیر طبری:
گرفتار؟ نسخه های پاورقی: پایندان - میانجی - پزرفتا
شنا برنده
کاروانیان
سختترین
سنگی
دیبای تنگ
گوراب - گوراب (آیه ۳۹، سوره نور)
شکر پذیرنده (در ترجمه تفسیر طبری هم چنین است)
سرو
شنا بردن



شیطان رجیم
ص
صابین
صبر کردن
صداق
صدید
صفوان
صلد
صلصال
ض
ضفادع (ضفدع)
ضلال
ط
طین لازب
طغیان
طعام
طعام
ع
عهن المنفوش
عدس
عوج

دیوارنده نغریده
از دین به دینی شوندگان
پای داشتن (صبرنا = پای بد اشتهامیم ما)
کاوین
زرد آب (ترجمه تفسیر طبری: آبی ناخوش - نسخه های
پاورقی: آب زرداب خوناب - آبی چون آب
گرم - آب خون وریم)
سنگ ساده (ساده در ضبط بدون هر غیر ملفوظ)
ساده (ساده در ضبط بدون هر غیر ملفوظ)
گل خشک (ترجمه تفسیر طبری: غریزنگ) لقد خلقنا الانسان من
صلصال من حمأ مسنون
بزغ
پوشش (ترجمه تفسیر طبری: گم شدگی، نسخه های
پاورقی: عشق و دوستی؟ - بی راهی)
گلی دوسنده - (ترجمه تفسیر طبری: خوشبیده) -
سوره الصافات آیه ۱۱
بیراهی
خورش
دست کش (اليوم أحل لكم الطيبات و طعام الذي اوتوا الكتاب حل لكم و
طعامكم حل لهم) (مائده، ۵/۵) طعام فقط در این آیه به این معنی آمده
است. نسخه های پاورقی ترجمه تفسیر طبری: کشتار - خورش
پشم وازده (ترجمه تفسیر طبری: پشم زده)
نیژو
کزی



علیا
علی
عالین
علو

عروج
عنید
عصیب
عفریت
عود

غ
غلیظ

غرور
غیب
غواص

ف

فجر
فاسقین
فته
فرث
فاجر
ق

قضب
قاعدون
قصاص

بیتک
سال ۱۳۵۰

افرشته تر (ترجمه تفسیر طبری: برترین)
افرشته . هو العلی الکبیر - اوست افرشته بزرگوار
افرشتگان

افرشتگی - (این واژه در ضیاء الشهاب نیز آمده:
افرشتگی = شرف و افرشته = شریف و بزرگ)
بیالایر شدن

ستیزه کش - (ترجمه تفسیر طبری: گردنکش)
دشخوار (ترجمه تفسیر طبری: سخت)
ستنبه (مارد و مرید هم چنین معنی شده است)
با سر رفتن - (و من عاد و هر که با سر رود) ترجمه
تفسیر طبری: و هر کی باز گردد

ستبر (عذاب غلیظ = عذاب ستبر) ترجمه تفسیر
طبری: سخت و درشت

فریفتن
نایدا

بدریا فرو شونده (ترجمه تفسیر طبری: با آب فرو شونده)

بام (ترجمه تفسیر طبری هم چنین است)

نافرمانان
آزمایش
سرگین

بی سامان کار اولئک هم الکفرة الفجرة - آیه آخر سورة الاعمی (عبس)

سپست (ترجمه تفسیر طبری و پاورقی: سپست - ص ۱۹۸۷)
سوره عبس - آیه ۲۸

نشینندگان
سر بسر

۳۵۰

ترجمه های فارسی قرآن

۶۷۲۲

قرطاس
قریه
قرح
قوامون
قرده
قسم خوردن
ک

کم کردن
کفالت

کاذب
کردیم
کاهن
کم مکنید
کفیل

ل

لبوس
لفیف

لاحتکن

لطیف

م

مصرفین
مارج

متاع

ترجمه ای کین از کلام خدا

کاغد
دیه
خستگی
ایستادگان
کیان (قرد - کبی)
قسم کردن

کاهانیدن

پایندانی کردن - (پایندانی = کفالت) در متن ضیاء
الشهاب نیز آمده است.

دروغ زن
کردمانیم

اخترگو (اخترگر؟)

بازمکاهانید
کاران

زره گری

رودباوی - (ترجمه تفسیر طبری: اینجا و آنجا -

نسخه های پاورقی: بهم اندر آمیخته - فراهم کرده)

لویشه برنهم - (ترجمه تفسیر طبری: از بیخ برکنم و بی راه کنم -

نسخه های پاورقی: فرو گیرم - لیشه نهم - بگیرم بر کاو لاتجزی
بنگزیراند

باریک بین - (ترجمه تفسیر طبری: باریک دان)

گزاف کاران

زنجه (ترجمه تفسیر طبری: زبانه) و خلق الجان من مارج من نار
(آیه ۱۵ سوره الرحمن)

برخورداری

۳۵۱
۶۷۲۲

شماره ۴۹ و ۵۰ بیتک

پلشتی - (سوره نساء، آیه ۲۲). مقت در سوره صف آیه ۳، نیز آمده است. کبر مقفأ عند الله، بزرگ پلشتی است نزدیک خدا. ترجمه تفسیر طبری: بزرگ دشمنی است نزدیک خدای (ص ۱۸۵۹)

حشر کرده شوید
غلبت کرده شوید
ترنگین

ننگرنده
ناسازگاری
نیم بالشها - (ترجمه تفسیر طبری: بالشها، سوره غاشیه، آیه ۱۵، ص ۲۰۱۴)
نگوسار
نمید
سالار - نسخه پاورقی تفسیر طبری: سرهنگ
نگریستن
تن - انفس: تنها
زه و زاد

باردان (ترجمه تفسیر طبری: بار - پاورقی: جوال)
کاران، نگهبان - (کاران به معنی کفیل هم آمده است)

نوش و گوارنده
اینکید شما (ترجمه تفسیر طبری: شما بید)
استه

مقت
محشور شوید
مغلوب شوید
المن
ن
ناظر
نشوز
نمارق
نگوسار
نومید
نقیب
نظر کردن
نفس
نسل
و
وعاء
وکیل
ه
هنی
ها آنثم
هسته (نوی)

ج. مقایسه ترجمه آیات این متن با ترجمه تفسیر طبری در خاتمه برای بهتر روشن شدن قدمت این ترجمه آیاتی از آن با ترجمه تفسیر طبری که در شمار یکی از کهن ترین آثار نثر فارسی می باشد مقایسه ای بعمل می آید:

ره یابندگان - راه راست یابندگان
برگردندگان
بگر و یدگان
انباز فرا دارندگان
بشک شوندگان
بازگشتن جای
سازنده
ساختن
ستنبه - (این واژه در ویس و رامین آمده: ستنبه دیو مهر آمد بجنگش بزد بر دلش زهرآلود چنگش) ص ۱۵۰ - چاپ مینوی
ستنبه (ترجمه تفسیر طبری: رانده)
اندوزندگان
چفت بسته - (جنات معروشات = بستان های چفت بسته) ترجمه تفسیر طبری: حرم؟ کلمه نام مفهوم و حاشیه نیز نام مفهوم، (یغمائی - ص ۴۶۱ - آیه ۱۴۱) یعرشون = چفت می بستند - ترجمه تفسیر طبری: می چفته زدند - پاورقی: همی چفتانیدند.
خدا وا دارد. (ترجمه تفسیر طبری: مکناد خدای - نسخه های پاورقی: بازداشت خواهم از خدای - بخدای بازداشت خواهم گریختن جای (ترجمه تفسیر طبری: رستن)
پیشینیان
بازپسینیان
فرو گذاشته - (ترجمه تفسیر طبری: رها گذاشته)
رو روزن؟ (ترجمه تفسیر طبری: روزن - ص ۱۱۱۷)
در ساختن - و ذوالو تدهن فیدهنون = آرزو کردند که در سازی تو پس در سازند ایشان - ترجمه تفسیر طبری: دوست دارند که تو مدهانت کنی و مدهانت کنند. پاورقی: چرب سخنی. آیه ۹ سوره القلم، ص ۱۹۱۴
چره زار - ترجمه تفسیر طبری: چراگاه (ص ۱۹۸۲) - چرا استان (ص ۲۰۱۰ - سوره الاعلی) پاورقی: گیاه خوان.

مهندون
معرضون
مؤمنین
مشرکین
ممتزین
مأب
ماکر
مکر
مارد
مرید
مقترفون
معروشات
معاذ الله
محیص
مستقدمین
مستأخرین
مخدول
مشکوة
مدهانت
مرعی

این متن: خدایاراست پادشاهی آسمانها و زمین و آنچه در میان این و آنست و او بر همه چیزی تواناست.

ترجمه تفسیر طبری: خدای راست پادشاهی آسمانها و زمین و آنچه میان آنست و اوست بر همه چیزی توانا.

سوره انعام آیه ۱

این متن: شکر و سپاس و ستایش خدای راست آن خدایی که بیافرید آسمانها و زمین را و بکرد تاریکیها و روشنی را. پس آنها که کافر شدند به پروردگار خویش برابری می کنند.

ترجمه تفسیر طبری: شکر خدای را آنک بیافرید آسمانها و زمین و کرد تاریکیها و روشنایی، پس آنکس ها که کافرانند بخداوند ایشان می برابری کنند.

سوره انعام آیه ۷۴

این متن: و چون گفت ابراهیم مر پدر خویش را آزر ای فرامیگیری توبتان را بخدایان، بدرستی که من مبینم ترا و قوم ترا در گمراهی روشن

ترجمه تفسیر طبری: که گفت ابراهیم پدر خویش مر آزر را که می گیری بتان را بخدایی، می بینم ترا و گروه ترا اندر بی راهی هویدا.

سوره انعام آیه ۱۱۰

این متن: و بعی گردانیم دلهای ایشان و بیناییهای ایشان چنانکه بنگر ویدند بدان اول بار و بگذاریم ایشان را تا در بیراهی خویش سرگشته می شوند.

ترجمه تفسیر طبری: و می گردانیم دلهاشان و چشمهاشان چنانچه نه گرویدند بدان نخست بار و دست بداریمشان اندر بی راهی ایشان می گردند.

سوره اعراف آیه ۹۸

این متن: یا ایمن شدند اهل دیه ها که آید بدیشان عذاب ما چاشتگاه و ایشان بازی کنند.

ترجمه تفسیر طبری: یا ایمن شدند اهل دیه ها که بیاید بدیشان عذاب ما بچاشتگاه و ایشان می بازی کنند. (ص ۵۱۳)

سوره یونس آیه ۵

این متن: او آن خدا ایست که بکرد خورشید را روشنی و ماه را سبب نوری و اندازه کرد آنرا منزلها تا بدانند شمار سالها و حساب، نیافرید خدا آنرا مگر بحق هویدا می کند نشانها را مرقوی را که بدانند.

ترجمه تفسیر طبری: و اوست آنک کرد آفتاب را روشنایی و ماه را نوری و اندازه کرد آن را

جایگاهها تا بدانند شمار سالها و حسابها آن و نه آفرید خدای آن مگر براستی، فصل کنیم آیتها گروهی را که می دانند.

سوره یونس، آیه ۱۳

این متن: بدرستی که هلاک کردیم ما گروهان را از پیش شما چون ستم کردند و آمدند بدیشان رسولان ایشان بحجتها و بنگر ویدند، همچنین پاداشت دهیم قوم کافران را.

ترجمه تفسیر طبری: و بدرستی که هلاک کردیم گروهی را از پیش شما چون ستم کردند و آمد بدیشان پیغامبران ایشان بپیدایی ها و نه بودند می گرویدند چنان پاداش کنیم گروه گناهکاران.

سوره یونس آیه ۲۱

این متن: و چون درچشانیم مردمان را رحمتی از پس زیانی که رسیده باشد بدیشان، آنکه ایشان را بود ساختنی در افکار نشانه های ما بگو ای محمد خدا شتابنده تر بساختن، بدرستی که رسولان ما می نویسند آنچه شما می سازید.

ترجمه تفسیر طبری: و چون بچشانیدیم مردمان را رحمتی از پس بدی ای که رسید ایشان را چون ایشان راست مکر اندر آیت های ما، بگو که خدای شتاب مندتر مکر است که پیغامبران ما می نوشتند آنچه مکر می کردید.

سوره یونس آیه ۲۴

این متن: بدرستی که مثل زندگانی چون آبیست که فرو فرستادیم ما آنرا از آسمان پس آمیخته شود بدان رسته زمین از آنچه می خورند مردمان و چهار پایان، تا چون فرا گیرد زمین آرایش آن و آراسته شود و گمان برند اهل آن که ایشان توانایانند بر آن. آید بدان فرمان ما بشب یا روز. پس بکنیم ما آنرا دروده گویا که نبوده وی، همچنین هویدا می کنیم نشانه ها را مرقومی را که اندیشه کنند.

ترجمه تفسیر طبری: حقا که داستان زندگانی این جهان چون آبی است که فرستادیم از آسمان، بیامیخت بدان بر رستی های زمین از آنچه خورد مردمان و چهار پایان، تا چون گرفت زمین نبات آن و بیاراست و گمان بردند گروه آن که ایشان توانااند بدان، بیامد بدیشان فرمان ما شبی یا روزی، کردیم آن را دروده، گویی که نه بود هرگز، چنان فضل کنیم آیتها گروهی را که اندیشه کنند. (ص ۶۷۰)

سوره نحل آیه ۹۲ و لاتکونوا کالئی نقضت غزلها من بعد قوة انکاتا.

این متن: و مباشید چون آن زنی که باز شکافت ریسمان خویش را از پس تاب دادن، تاب باز پس دادنی

ترجمه تفسیر طبری: و مباشید اندر شکستن پیمان چنان زن که واخند ریسمان خویش را از پس محکم رشتن فرهم خنید.

سوره نحل آیه ۱۲۰ ان ابراهیم کان امة قانتا لله حنیفاً و لم یک من المشرکین
این متن: بدرستی که ابراهیم بود امامی فرمانبردار خدای را مائل از باطل باحق و نبود از جمله
انباذ فرا دارندگان.

ترجمه تفسیر طبری: بدان که ابراهیم بود بن خویش امامی فرمانبردار، خدای را مسلمان پاکیزه
و نبود از هتایز گویان.
سوره کهف آیه ۱۷

این متن: و دیدی تو خورشید را چون برآمدی برگردیدی از غار ایشان سوی دست راست و
چون فرو شدی بگردیدی بدیشان سوی دست چپ و ایشان در فراختایی بود از آن غار، آن از
نشانه‌های خداست هر که راه نماید خدا او را پس او راه یابنده بود و هر که گمراه کند پس نیابی تو
او را دوستی بصواب.

ترجمه تفسیر طبری: و دیدی تو - یا محمد - آفتاب را چون برآمدی در گردیدی از غارشان
سوی دست راست و چون فرو شدی آفتاب درگذشتی برایشان سوی چپ و ایشان در فراخی بودند
از آن، این از آیت‌های خدای است هر کی راه راست دهد خدای، اوست راه راست یافته و هر
کرا در گم شدگی می دارد، نیاوی او را دوستی و یاری راهنمای (ص ۹۲۱، ج ۴-۳)

سوره مؤمنون آیه ۵۳ فتقطعوا امرهم بینهم زیراً کل حزب بما لدیهم فرحون
این متن: پس خلاف کردند در کار خویش میان یکدیگر گروهان. هر گروهی بدانچ نزدیک
ایشان است شادانند.

ترجمه تفسیر طبری: پاره پاره بکردند کار ایشان میان ایشان نبشته، هر گروهی بدانچه نزدیک
ایشان راست شادی کنندگان اند. (ص ۱۰۷۵)

سوره مؤمنون آیه ۸۴ قل لمن الارض و من فیها ان کنتم تعلمون
این متن: بگو ای محمد کراست زمین و آنک در آند اگر شما بدانید.
ترجمه تفسیر طبری: بگوی که کراست زمین و آنک اندران اگر هستید و می دانید (ص ۱۰۸۲)
سوره نمل آیه ۶۲ امن یجیب المضطر اذا دعاه و یکتف السوء و یجعلکم خلفاء الارض...
این متن: یا کیست که پاسخ کند بیچاره را چون خواند او را و بردارد بدی را و بکند شما را
گماشتگان زمین، ای خدا خدایی دیگر هست نه اندکی پند می گیرید شما.

ترجمه تفسیر طبری: یاکی اجابت کند بیچاره را چون بخواند او را و باز بردارد بدی را و کند شما را
خلیفتان زمین، خدای دیگر است با خدای عزوجل؟ اندکی اند آنچه پند همی پذیرند (ص ۸-۱۲۰۷)
سوره قصص آیه ۶۸

این متن: و پروردگار تو آفریند آنچه خواهد و برگزیند، نبود ایشان را اختیاری، پاک و منزّه
است خدا و افزاشته از آنچه ایشان انباذ فرا می دارند.

ترجمه تفسیر طبری: و خداوند تو آفریند آنچه خواهد و برگزیند، و نه بود ایشان را برگزیدن،
پاک است خدای عزوجل و برتر است از آنچه انباذ گیرند.
سوره عنکبوت آیه ۱۶

این متن: و ابراهیم را چون گفت مرفوم خویش را به پگانگی پرستید خدای را و ترسید از او
آنتان بهتر شما را اگر شما بدانید.

ترجمه تفسیر طبری: و ابراهیم که گفت گروه خویش را که پرستید خدای عزوجل و بترسید از
او که آن بهتر شما را اگر هستید و می دانید: (ص ۱۲۹۸)

سوره الرحمن آیه ۴۱ یعرف المجرمون بسیماهم فیؤخذ بالتواصی و الاقدام
این متن: شناخته شوند کافران بنشانهای روی ایشان پس بگیرند ایشان را بمویهای پیشانی و قدم‌ها.
ترجمه تفسیر طبری: بشناخته شوند گناهکاران بنشانهای ایشان و گرفته شوند بموی پیشانیهای
ایشان و پایهایشان (ص ۱۷۸۶)

سوره مطففین آیات ۱-۲-۳ ویل للمطففین. الذین اذا اکتالوا علی الناس یتوفون و اذا کالوهم...
این متن: وای مر پیمایندگان را. آنها که چون پیمانند بر مردمان تمام فراستانند و چون پیمانند
ایشان را یا وزن کنند ایشان را باز کاهانند.

ترجمه تفسیر طبری: وای طقاف کنان را یعنی کیتالان که غله می پیمانند. آنکسها را که چون
می پیمانند بر مردمان تمام پیمایند و تمام بستانند، و چون پیمانند ایشان را یا بستنند ایشان را
کاست کاری کنند. (ص ۱۹۹۶)

ماضی استمراری: می گفتیمو (می گفتیمان) = می گفتیم
می گفتید و (می گفتیدان) = می گفتید
مضارع التزامی: بزینمو (بزینیمان) = بزینم، بزیندو (بزینیدان) = بزیند
مضارع اخباری: می سازیمو (می سازیمان) = می سازیم
می سازیدو (می سازیدان) = می سازید
صیغه جمع فعل امر نیز بدین صورت بکار می رود و مشابه با
صیغه دوم شخص جمع مضارع التزامی
است. مانند: بشکنیدو (بشکنیدان) = بشکنید، ظاهر(ان)
در این صیغه‌ها علامت جمع می باشد ولی در سوم
شخص جمع به کار نمی رود.

۱. از دارندگان این قرآن سینه به سینه نقل شده است که این واقعه
مربوط به روی آوردن سپاه مغول به کاشان بوده است و خواجه
نصیرالدین ابن عمل را بعین ارتباط و آشنایی با افضل الدین
محمد بن حسن مرفی کاشانی (بابا افضل) و یا به اشاره او انجام
داده، و به پایمردی خود کاشان را از تخریب و قتل و غارت
مغول محفوظ داشته است. و الله اعلم.

۲. قسمت‌های نقطه چین در ادبیات، از میان رفته است.
۳. این گونه افعال هنوز از گوش محلی شهر کاشان بجای مانده است.
و این شکل فقط در اول شخص و دوم شخص جمع می آید:
ماضی مطلق مانند: رفتیمو (رفتیمان) = رفتیم، رفتیدو (رفتیدان) = رفتید

ترجمه‌ای کهن از کلام خدا

شماره ۵۰ و ۴۹

۲۶۹۲

ترجمه های فارسی قرآن

۲۶۹۵

۲۵۶

پیشانی سال سرد همه